

زندانی سلول شماره ۲۰

۴ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۰۳

در این کتاب خواننده در تعقیب مسیر زندگی سراسر مبارزه شهید رجایی ضمن آشنایی گام به گام با شرایط اقتصادی، سیاسی، تاریخی ایران در سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی، با مردی آشنا می‌شود که در سایه ولایت‌مداری به بالاترین مقام در کشورش می‌رسد...

در کتاب حاضر نویسنده بر خلاف دیگر کتاب‌های مجموعه «نیمه پنهان» که بیشتر متکی به مستندات تاریخی صرف بوده‌اند، کوشیده است، این مستندات را با ادبیات بیامیزد تا مخاطبان بویژه مخاطبان نوجوان و جوان عمیق‌تر و بهتر با شخصیت‌های کتاب همذات‌پنداری کنند.

نویسنده در این کتاب با زبان شیرین ادبیات به روایت زندگی فرزند اسلام شهید «محمدعلی رجایی» دومین رئیس‌جمهور ایران اسلامی پرداخته است. ضمن آن که بخش ضمائم و تصاویر و اسناد نیز در دو بخش پایانی کتاب قرار گرفته است.

در این کتاب خواننده در تعقیب مسیر زندگی سراسر مبارزه شهید رجایی ضمن آشنایی گام به گام با شرایط اقتصادی، سیاسی، تاریخی ایران در سال‌های قبل و پس از انقلاب اسلامی، با مردی آشنا می‌شود که در سایه ولایت‌مداری به بالاترین مقام در کشورش می‌رسد اما با این همه بازهم اسیر چرب و شیرین دنیا نمی‌شود، تا این که سرانجام به آرزوی دیرین خود؛ یعنی شهادت می‌رسد.

سقوط قاجار، شهر شب‌زده، ورود متفقین، خداحافظ شهر من، تصفیه‌های شاهنشاهی، بوی یاس، زندانی سلول شماره ۲۰، آبادان در محاصره، عزل بنی‌صدر و ... برخی عناوینی است که در این کتاب خواننده با آن روبرو خواهد شد.

«شب از راه رسید. عکس ماه افتاده بود توی حوض، ماه هزار تکه بود، شام غریبان بود، انگار هنوز کسی جرات نداشت سوال کند بر سر رجایی چه آمده؟ ترس از جوابی تلخ، باز اگر نمی‌دانستند باریکه امیدی بود که می‌شد به آن دلخوش بود، می‌شد همیشه چشم به راه ماند، حتی اگر هیچ وقت نیاید. شب کند و طولانی گذشت، مقابل بیمارستان جمعیت جا به جا روی زمین انتظار می‌کشیدند، انتظاری طولانی، صبحی که گویا هرگز طلوع نخواهد کرد، صبح شد، شهر بیدار بود، با دلواپسی و بعد خبر رسید ...»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20216/زندانی-سلول-شماره-20>